

بازخوانی دو الگوی تمدنی اسلام اجتماعی و اسلام سیاسی در ترکیه معاصر؛ کار بست الگوی تمدنی اسلام اجتماعی در ترکیه معاصر

ک سیدمحمدحسین متولی امامی / دانشجوی دکتری دانش اجتماعی مسلمین، مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی

www.erfanhekmat9@gmail.com

alimir124@gmail.com

محمدعلی میرعلی / دانشیار گروه علوم سیاسی جامعه المصطفی العالمية

دریافت: ۱۳۹۷/۰۴/۱۸ - پذیرش: ۱۳۹۷/۰۸/۲۸

چکیده

الگوی تمدنی ترکیه، به عنوان یکی از کشورهای یکی از کشورهای که در سال‌های اخیر مورد توجه جریان‌های لیبرال اسلام‌گرا قرار گرفته است، درخور توجه ویژه می‌باشد. این نوشتار، در پی آن است که با بررسی تحلیلی انتقادی، جریان‌های اسلام‌گرایی معاصر ترکیه، به دو الگوی تمدنی غالب در این کشور بپردازد و با نگاه توصیفی، به اصول اندیشه و آثار اجتماعی، هر یک از این دو الگو توجه نماید. هرچند در کشور ترکیه، دو الگوی اسلام سیاسی و اسلام اجتماعی تجربه شده است، اما الگوی اسلام اجتماعی، فضای سیاسی و اجتماعی ترکیه حاکم گردیده و این الگو، نمونه‌ای قابل توجه و مورد حمایت ارتش و نظام سیاسی ترکیه گردیده است. اما در عین حال، چالش‌هایی در این الگو دیده می‌شود که مانع نیل آن به تمدن اسلامی است. این نوشتار، با روش اسناد و انتقادی، ضمن بررسی ظرفیت‌های الگوی مزبور، کاستی‌های آن را که شامل ناسیونالیسم افراطی، خودبستگی و انفعال در برابر تمدن غرب برای رسیدن به تمدن اسلامی است، مورد واکاوی قرار می‌دهد.

کلیدواژه‌ها: اسلام‌گرایی ترکیه، تمدن ترکی، اسلام سیاسی و اسلام اجتماعی.

ترکیه نوین، الگوی خاص مورد توجه جریان‌های روشنفکری گردیده، و در برابر الگوی اسلام سیاسی نظام جمهوری اسلامی مطرح می‌شود. آنچه در تاریخ معاصر ترکیه قابل مشاهده است، ظهور قدرتمند سه جریان لائیک، اسلام سکولار و اسلام سیاسی است که در چند دهه اخیر، اسلام سکولار بر سایر جریان‌های مذکور، چیره و به‌عنوان الگوی تمدن نوین اسلامی مطرح شده است. الگویی که از یک سو، در مقابل رویکردهای وهابی و از سوی دیگر، در مقابل انقلاب اسلامی ایران مطرح می‌شود. این گرایش، امروزه توسط بسیاری از ابزارهای تبلیغاتی، به‌عنوان الگوی اسلام معتدل مطرح می‌شود و با عنوان الگوی امت اسلامی و احیای عثمانی، در میان بسیاری از مدارس، دانشگاه‌ها و محیط‌های دینی جهان اسلام ترویج می‌شود. این مقاله، در پی آن است که ضمن بازخوانی دو جریان اصلی اسلام‌گرایی ترکیه معاصر، به مؤلفه‌های فکری و عملی هر یک از این دو پرداخته و عوامل غلبه و گسترش اسلام سکولار (اسلام اجتماعی) را بررسی نماید. اینکه «مؤلفه‌های اساسی اسلام سیاسی ترکیه چیست؟»، «اسلام اجتماعی ترکیه، به رهبری گولن چگونه شکل گرفت؟» و «چرا اسلام سیاسی، در مقایسه با اسلام اجتماعی، به حاشیه رفت؟»، از مهم‌ترین محورهای این نوشتار است. مراجعه به اسناد کتابخانه‌ای با رویکرد تحلیلی - انتقادی، به کمک مشاهدات عینی، روش این پژوهش است.

ترکیه از اوایل قرن بیستم، درصدد ایجاد کشوری لائیک بود که این دوران، یعنی از سال ۱۹۲۳ تا ۱۹۵۰ میلادی را به دوران اسلام‌زدایی تعبیر کرده‌اند. در این زمان، توده‌های مردمی ترکیه، در قالب طریقت‌های صوفیانه، زندگی کرده و فعالیت‌های دینی خود را مخفیانه و به دور از حساسیت‌های اجتماعی دنبال می‌کردند. با این حال، سیاست‌های لائیک دولت ترکیه، به دلیل عدم همخوانی با هویت تمدنی ترک‌ها، نتیجه‌بخش نبود و فرهنگ اسلامی مردم ترکیه، این سیاست‌ها را برنتابید. از این رو، یک تقابل فرهنگی و حتی سیاسی، در جامعه ترکیه میان اسلام‌گرایان و حاکمیت لائیک پدید آمد. با ظهور انقلاب اسلامی و آثار آن در جهان اسلام، شاخه اسلام‌گرایان سیاسی ترکیه ظهور یافتند که الگوی اسلام‌گرایی ایران پس از انقلاب را دنبال می‌کردند. این اتفاق، ارتش و لائیک‌ها را نگران می‌کرد و تقابل با این جریان نوظهور را به حداکثر رسانید و منجر به تبعید، شکنجه و زندان سران اسلام سیاسی شد. نتیجه این تقابل، ظهور اسلام‌گرایی، با شعار اسلام مدرن بود که از یک سو، خود را از تقابل مستقیم با ارتش و لائیسیم افراطی دور نگاه می‌داشت و از سوی دیگر، به دنبال پیوند اسلام و مدرنیته بود. این الگو، برخلاف قرائت‌های رادیکال، جهان غرب را دشمن جهان اسلام تلقی نمی‌کند، بلکه در تلاش است، با کشف وجوه مشترک و خلق قرابت‌های علمی و عملی میان آموزه‌های اسلامی و دستاوردهای غربی، هم‌آغوشی جدیدی میان این دو گرایش فراهم کند. از این رو، خود را «اسلام میانه‌رو» معرفی می‌کند.

آنچه در چند دهه اخیر، موجب رشد اسلام سکولار، با عنوان «اسلام اجتماعی» شده، خشونت ارتش نسبت به اسلام‌گرایان سیاسی، ضعف عملکرد اسلام‌گرایان سیاسی و استقبال ارتش و غرب‌گرایان از الگوی اسلام اجتماعی است.

ادوار اسلام‌گرایی ترکیه معاصر

سنت اسلام‌گرایی مناطق آناتولی و ترکیه، با گرایش‌های صوفیانه گره خورده است. با پیروزی ترکان سلجوقی، در جنگ ملازگرد و عقب‌راندن حاکمیت بیزانس از این مناطق (شکر، ۱۳۸۵، ص ۷۵)، اولین ظهور اسلام‌گرایی با رویکرد صوفیانه شکل گرفت (همان، ص ۱۰۶ و ۱۰۷). این رویکرد تا دوران آناتورکی باقی مانده بود. اسلام‌گرایی در ترکیه معاصر، حداقل به چهار دوره تقسیم می‌شود: دوره اسلام‌زدایی، دوره احیای اسلام‌گرایی، دوره ظهور اسلام سیاسی و دوره اسلام اجتماعی. دوران اسلام‌زدایی، دورانی است که با آغاز حکومت آتاتورک (۱۹۲۳م) آغاز شد و تا ظهور حکومت جمهوری خواهان (۱۹۵۰م) ادامه یافت (روحانی، ۱۳۶۵، ص ۱۰۴). در این دوران، محدودیت‌های شدیدی برای اسلام‌گرایان وجود داشت و توده‌های مسلمانان ترک، در قالب طریقت‌های صوفیانه زندگی می‌کنند و مناسک دینی خود را به صورت کاملاً مخفی به جای می‌آورند (محمد، ۱۳۸۰، ص ۸).

دوران احیای اسلام‌گرایی، هنگامی آغاز می‌شود که نظام سیاسی ترکیه، دموکراسی و چندحزبی را می‌پذیرد. با روی کار آمدن حزب دموکرات و نخست‌وزیری عدنان مندرس، فرایند دموکراسی‌سازی گسترش یافت و گروه‌های دینی فرصت حضور و فعالیت‌های اجتماعی پیدا کردند (راباسا و لارابی، ۲۰۰۸، ص ۳۵). با پایان یافتن جنگ جهانی دوم و تقسیم جهان به دو بلوک شرق و غرب و پیوستن ترکیه به غرب، نظام سیاسی ترکیه، مجبور به تعدیل سیاست‌های خود شد. این کشور برای نشان دادن همراهی با غرب، ظواهر لیبرالیسم همچون تعدد احزاب، دموکراسی و جامعه مدنی را پذیرفت. در این شرایط، تحرک اسلام‌گرایان آغاز شد. همچنین، برای مبارزه با اندیشه‌های مارکسیستی، دستگاه سیاسی ترکیه، به اسلام‌گرایان فرصت حضور بیشتری داد (اطهری، ۱۳۸۵، ص ۳۷). البته هویت تمدنی ترک‌ها را، که ریشه در اسلام دارد، باید مهم‌ترین عامل احیای اسلام‌گرایی در ترکیه دانست. دیگر عوامل، نقش انگیزشی و ساماندهی این هویت را بازی کردند. به همین دلیل، امروزه سخن از مدرنیته ترکی، بدون ارجاع به اسلام ممکن نیست (کی‌من، ۲۰۰۷، ص ۲۱۷).

دوره سوم، که دوران اسلام سیاسی است، با موج انقلاب اسلامی ایران پدید آمد که فاصله سال‌های ۱۹۷۰ تا ۱۹۹۰ میلادی، را باید دوران شکوفایی اسلام سیاسی در ترکیه دانست. حضور پررنگ اسلام‌گرایان در حوزه سیاست، با تشکیل احزاب و مطبوعات آغاز شد که چهره شاخص این دوره، نجم‌الدین اربکان، پدر احزاب ترکیه است (پورناب، ۱۳۷۹، ص ۷۰-۷۴). دوره چهارم اسلام‌گرایی در ترکیه، از سال ۱۹۹۰ تاکنون است که موج اسلام‌گرایی اجتماعی متأثر از گولن، بر فضای مسلمانان ترکیه حاکم شده است (ارطغرل، ۱۳۸۵، ص ۷۰).

لازم به یادآوری است که اسلام در ترکیه، در قالب طریقت‌های صوفیانه بوده و از این جهت، نقش‌بندی‌ها و قدری‌ها، نقش بزرگی در تحولات اسلامی ترکیه معاصر ایفا کرده‌اند. هرچند این طریقت‌ها، حاضر به مشارکت سیاسی به‌طور مستقیم نبوده‌اند، اما بزرگترین حامیان احزاب اسلامی، همین طریقت‌ها بوده‌اند (محمد، ۱۳۸۰، ص ۹) به‌گونه‌ای که مدارس این طریقت‌ها، مثل مدرس امام خطیب را قلعه اسلام‌گرایان می‌دانستند (نوروزی، ۱۳۹۱، ص ۲۲).

اسلام سیاسی در ترکیه

با گذشتن دوران دیکتاتوری و اختناق آتاتورکی و ظهور تدریجی احزاب و مظاهر لیبرالیسم در جامعه ترکیه، اسلام سیاسی، اولین جریان مورد توجه ترک‌ها بود که از ۱۹۶۰ میلادی تا ۱۹۹۰، کاملاً فعال و مؤثر در سیاست و جامعه ترکیه عمل می‌کرد. شاخص‌ترین چهره این جریان، نجم‌الدین اربکان بود. گرایش عمده این جریان، به اندیشه‌های مرتبط با اسلام سیاسی است. از این رو، انقلاب اسلامی ایران، به این جریان رشد مضاعف بخشید (محمد، ۱۳۸۰، ص ۱۷).

ظهور اسلام سیاسی ترکیه، متکی بر افکار ابوالاعلی مؤدودی و سبیطب بود. اما اسلام‌گرایان، به دنبال فعالیت‌های انقلابی نرفتند و همیشه فعالیت‌های خود را در ساختار دموکراتیک ترکیه تعریف می‌کردند (ارطغرل، ۱۳۸۵، ص ۹۶). در دهه هفتاد، نجم‌الدین اربکان با تأسیس حزب اسلام‌گرا، یعنی «حزب نظام ملی»، به صورت رسمی موجودیت حزب اسلام‌گرایان را اعلام کرد و وارد بازی رقابت‌های دموکراتیک ترکیه شد (راباسا و لارابی، ۲۰۰۸، ص ۴۰). نشاط و اقبال گسترده اجتماعی به این حزب، نظام لائیک را برآشت، به گونه‌ای که در می ۱۹۷۱، توسط نظام لائیک تعطیل شد. نگرانی لائیک‌ها، افزایش جذابیت‌های انقلاب اسلامی در ترکیه و ظهور اسلام سیاسی با ادعای اداره جامعه بود.

اربکان در سال ۱۹۷۲، دومین حزب اسلامی؛ یعنی حزب سلامت ملی را تأسیس کرد تا حرکت‌های اسلام‌گرایانه‌اش را دنبال کند. وی در سال ۱۹۷۳، توانست ۱۲ درصد از آراء و ۱۱ کرسی مجلس را به دست آورد. با این حال، اربکان معاون نخست‌وزیر وقت شد و جایگاه ویژه‌ای در نظام سیاسی ترکیه یافت. اما این حزب، با کودتای سال ۱۹۸۰ تعطیل شد. اربکان بار دیگر در سال ۱۹۸۳، حزب رفاه را تأسیس کرد که به دلیل فعالیت‌های قبلی اربکان و اقبال عمومی به او، مقتدرترین حزب ترکیه شد. این حزب در سال ۱۹۹۵ میلادی با چهار میلیون عضو و شش میلیون رأی توانست بیشترین کرسی را در مجلس به دست آورد. وی در سال ۱۹۹۶، برای اولین بار در تاریخ معاصر، دولت اسلامی ترکیه را تشکیل داد (راباسا و لارابی، ۲۰۰۸، ص ۴۲). نظامیان، بخصوص ارتش که رویکردی لائیک داشتند، با شعار مبارزه با افراط‌گرایی اسلامی، حزب رفاه را تحت فشار قرار دادند و با این بهانه، دولت قانونی اربکان در ۲۸ فوریه ۱۹۹۷، با شبه کودتایی که به «کودتای پست مدرن» معروف شد، کنار رفت (همان، ص ۴۴). مهم‌ترین اتهامات وی، عدم پایبندی به قانون اساسی لائیک، سهل‌انگاری در اجرای قانون پوشش، عدم توقف فعالیت‌های طریقت‌های دینی و در نهایت، عدم کنترل و مهار تلاش ایران، برای ایجاد بی‌ثباتی در ترکیه بود (نوروزی فیروز، ۱۳۹۱، ص ۲۳). با این حال، اربکان از ادامه تلاش برای ترویج اسلام‌گرایی خسته نشد و دوباره حزب فضیلت را تأسیس کرد که حزب عدالت و توسعه فعلی، منشعب از آن حزب است (محمد، ۱۳۸۰، ص ۱۰۶).

اربکان، «پدر تحزب ترکیه» نامیده شد و بیشترین فعالیت سیاسی اسلام‌گرایان را در قالب احزاب دنبال کرد. احزابی که با تدبیر اربکان در ترکیه معاصر ایجاد شد، رهبران سیاسی آینده جامعه ترکیه، از جمله اردوغان و عبدالله گل را پرورش داد. بدین ترتیب، این شخصیت اسلامی، بنیان احزاب دینی را برای آینده سیاسی ترکیه رقم زد و اقدامات گسترده‌ای در راستای رشد احزاب و تربیت فعالین سیاسی اسلام‌گرا انجام داد.

اقدامات اربکان با رویکرد اسلام سیاسی

اساس هویتی جامعه ترک در نگرش اربکانی، اسلام بود و ملی‌گرایی لائیک و یا مدرنیته غربی، هیچ‌یک نمی‌توانند هویتی پایدار و تمدن‌ساز برای ترکیه محسوب شوند (راباسا و لارابی، ۲۰۰۸، ص ۴۰). به همین دلیل، اربکان به دنبال اسلامی‌شدن ساختار سیاسی حکومت ترکیه حرکت کرد و سیاست‌گذاری‌های دولت را تنها مبتنی بر مبانی اسلامی مشروع می‌دانست. البته اربکان هیچ‌گاه، به دنبال انقلاب سیاسی نبود و تلاش می‌کرد در بستر فعالیت‌های حزبی، به مطلوب خود برسد تا از یک سو، امکان فعالیت در حکومت لائیک ترکیه را به دست آورد و از سوی دیگر، چهره‌ای معتدل و میانه‌رو از اسلام به نمایش بگذارد (محمد، ۱۳۸۰، ص ۱۲۵).

اولین اقدام اربکان، تلاش برای ارتباط با کشورهای اسلامی و سعی در همکاری و تعاون با حکومت‌های داعیه‌دار اسلام بود. از این رو، به دیدار و همکاری با ایران، لیبی، مصر، نیجریه و کشورهای جنوب شرق آسیا، نظیر مالزی و اندونزی امید بست. با انعقاد قرارداد گازی با ایران و تشکیل یک مجموعه اقتصادی جدید، موسوم به گروه D8 که متشکل از هشت کشور اسلامی ترکیه، مصر، پاکستان، ایران، بنگلادش، نیجریه، مالزی و اندونزی بود، سیاست‌های کلان خارجی خود را معین نمود. این اتفاقات، ارتش را به نگرانی انداخت و این تئوری را در اذهان تقویت کرد که او به دنبال سرنوینی نظام لائیک ترکیه است (همان، ص ۱۲۲). هنگامی این نگرانی‌ها بیشتر شد که اربکان، متأثر از افکار امام خمینی ره، مخالفت با اسرائیل را علنی کرد و ریشه همه مشکلات را اسرائیل قلمداد کرد. لائیک‌ها سعی کردند با افزایش ارتباط با اسرائیل و مجبور کردن اربکان به پذیرش قرارداد مشهور ترکیه در فوریه ۱۹۹۶، وی را مهار نمایند (همان، ص ۱۰۳). اربکان با این رفتارها، به شدت مخالفت می‌کرد و حتی به پیوستن ترکیه به اتحادیه اروپا تمایل چندانی نشان نمی‌داد و آن را نیز پذیرش امپریالیسم تلقی می‌کرد. او کشور خود را از سایه صندوق بین‌المللی پول بیرون آورد و با برنامه‌های اقتصادی آنها مخالف کرد (اطهری، ۱۳۹۰، ص ۱۰). مهم‌ترین اقدامات اربکان برای اسلامی‌شدن فضای ترکیه را می‌توان در موارد زیر خلاصه کرد:

- ارائه طرح‌های اسلامی به پارلمان، شامل تأسیس دو مسجد جامع در استانبول و آنکارا بود.
- صدور اجازه استفاده از حجاب اسلامی برای بانوان کارمند به هنگام کار.
- آزاد گذاشتن شهروندان در تقسیم قربانی‌های خود در عید قربان.
- اعزام حجاج از راه زمینی سوریه.
- بنای یک مسجد جامع در میدان مشهور تقسیم.
- تنظیم ساعات کار با زمان افطار و نماز جمعه.
- برپایی مراسم شب معراج، با شرکت سفیر ایران در آنکارا.
- برگزاری مراسم روز قدس. این امر، شروع نزاع و کشمکش میان حزب رفاه و ارتش شد و زمینه برکناری او را فراهم کرد (محمد، ۱۳۸۰، ص ۱۰۴).

اسلام اجتماعی در ترکیه

از دهه ۱۹۹۰، اسلام‌گرایی در شکلی دیگر رو به افزایش نهاد. البته، مشخص است که این شکل جدید، با مهندسی ارتش و دخالت غرب‌گرایان طراحی شد و به میانه‌روی و اعتدال شهرت یافت. الگویی که پس از برکناری *اریکان* در ترکیه دنبال شد، الگوی اسلام سکولار و غرب‌گرا بود. به دلیل اینکه هویت فرهنگی و تمدنی ترکیه، اسلامی است و امکان حذف به یکباره اسلام از جامعه ترکیه وجود ندارد، ارتش لائیک ترکیه، به کمک روشنفکران غرب‌زده، طرحی را دنبال کردند که منجر به یک الگوی سکولار از اسلام‌گرایی شد و زمینه حضور فرهنگی و سیاسی غرب، در جامعه ترکیه افزایش یافت. بهترین خوراک فکری برای ظهور چنین الگویی در اندیشه‌های *بدیع‌الزمان سعید نوری* وجود داشت. به همین دلیل، در چند دهه اخیر، تمامی ظرفیت فرهنگی و تمدنی ترکیه، بر پایه این اندیشه‌ها بازخوانی و پیگیری شد.

فتح‌الله گولن، امروزه رهبری این تفکر را با عنوان «اسلام ترکی»، از طریق الگویی منسجم و عمل‌گرایانه دنبال می‌کند. اسلام تمدنی مورد نظر *گولن*، الگویی است که از یک سو، ریشه در اسلام سکولار دارد و از سوی دیگر، با ناسیونالیسم ترکی و گرایش‌های قومیتی پیوند خورده است. با رشد این جریان، جریان اسلام سیاسی و نگرش به انقلاب اسلامی در ترکیه تضعیف شد. البته باید توجه داشت که وجود همین قرائت‌های مختلف در ترکیه، موجب یک گونه کثرت‌گرایی دینی در ترکیه شده و هیچ‌کس نتوانسته است رهبری کل جریان اسلام‌گرایی در ترکیه را دست گیرد (نوروزی فیروز، ۱۳۹۱، ص ۲۱).

فشار نظام لائیک و خشونت نظامیان با اسلام‌گرایان سیاسی و عدم توجه اسلام‌گرایان، به رویکردهای انقلابی، موجب ظهور یأس از اسلام سیاسی و تلقی بی‌نتیجه و پرهزینه‌بودن آن شد. حتی افرادی چون *رجب طیب اردوغان* و *عبدالله گل*، که روزی از یاران مهم *اریکان* محسوب می‌شدند و در «حزب رفاه» فعالیت جدی و مستمر داشتند، از نگاه *اریکان* دست کشیدند و با تأسیس حزب «عدالت و توسعه»، به اندیشه‌های *فتح‌الله گولن* گرایش یافتند. به گونه‌ای که *گولن* را پدر معنوی حزب عدالت و توسعه نامیده‌اند (نصر، ۱۳۸۶، ص ۶۶-۷۶). نکته قابل توجه *گولن*، غلبه چهره معنوی او نسبت به چهره سیاسی‌اش بود. همین امر موجب مقبولیت بالای مردمی و حتی در میان سیاستمداران ترکیه شد. او مطیع حکومت بود و نقش یک عالم روشنفکر، سرمایه‌دار، میان‌رو، انعطاف‌پذیر و ملی‌گرا را بازی می‌کرد. وی ملی‌گرایی آتانورکی را انحراف از دین و انسانیت معرفی می‌کرد (محمد، ۱۳۸۰، ص ۱۴۴). همین ویژگی‌ها، به ذهنیت منفی نسبت به اسلام سیاسی اضافه شد و *گولن* را به یک رهبر دینی، با پایگاه اجتماعی قدرتمندی تبدیل کرد که تصور می‌شد، تنها نسخه ممکن اسلام‌گرایی در ترکیه معاصر می‌باشد. جریان اسلام‌گرای اجتماعی، که امروزه ترک‌ها با نام «خوجا افندی» از آن یاد می‌کنند، زیرمجموعه «گروه نورجیه» می‌باشد. گروه نورجیه، عنوانی است که به پیروان طریقت *بدیع‌الزمان نوری* اطلاق می‌شود.

لازم به یادآوری است که در سال‌های اخیر، اهمیت *گولن* در فضای اجتماعی ترکیه کمتر شده است. اما اندیشه‌های وی در مویرگ‌های حیات اجتماعی ترک‌ها حضور دارد. توسعه اقتصادی ترکیه توسط *اردوغان*، زندگی

گولن در آمریکا، همراهی و همفکری او با دولت‌های غربی و کودتای ۲۰۱۶، که اردوغان آن را به گولن نسبت داد، شخصیت فتح‌الله گولن را در سال‌های اخیر به حاشیه رانده و اثرگذاری سیاسی او را به حداقل رسانیده است. با این همه، نگارنده بر این باور است که گولن، هنوز از اهمیت زیادی در فضای سیاسی ترکیه برخوردار است. شاهد این ادعا، کودتا ۲۰۱۶ ترکیه است. در صورتی که این کودتا، از سوی گولن ساماندهی شده باشد (آنچنان که اردوغان مدعی است)، نشان از اقتدار و نفوذ او از فاصله دور، در میان مردم ترکیه دارد و در صورتی که این کودتا، خودساخته اردوغان باشد (همچنان که گولن مدعی است)، باز هم اهمیت گولن را نشان می‌دهد که اردوغان، برای تضعیف چنین شخصیتی، تن به چنین بحرانی داده است.

۱. آبخور فکری گولن

آبخور فکری گولن را باید در افکار سعید نورسی و نورچی‌گری جست‌وجو کرد. سعید نورسی، فقیه شافعی و فیلسوف روشنفکر ترکیه است که سعی دارد فقهی متناسب با مقتضیات زمان و با سبکی نو ارائه کند (بولنت و عمر، ۱۳۷۴، ص ۶۱). تا قبل از نورسی، میراث فکری مکتوبی که راهنمای عملی مسلمانان ترکیه باشد، وجود ندارد (یاووز، ۲۰۰۳، ص ۱۵۱-۱۶۰). پیش از او، اسلام‌گرایی مردم ترکیه، در فضای تصوف حرکت می‌کرد. مشهورترین تألیف نورسی، *رسائل‌النور*، تفسیر شش هزار صفحه‌ای از قرآن کریم است که نورسی با تألیف آن، قرآن را با قرائت جمع علم و دین بازخوانی می‌کند. این قرائت جدید از قرآن و اسلام، در دهه ۵۰ و ۶۰ میلادی، به سرعت در ترکیه همه‌گیر شد و زمینه فکری ترکیه کنونی را پدید آورد. شعار او این بود که دوره جهاد با «شمشیر» تمام شده و باید به دوران جهاد با «کلمه» توجه کرد. تأسیس «جامعه‌الزهراء»، که قرار بود نقش الازهر را در ترکیه بازی کند، از مهم‌ترین اقدامات او در تربیت فقیهانی با این تفکر بود. اقبال عمومی به او، موجب خشم ارتشیان لائیک شد و او را به زندان و تبعید کشانید. در این مدت، او به تألیف *اولین بارگاه نور* پرداخت (مری، ۱۳۸۹، ص ۲۲).

تبعیت از مکتب فکری و عملی نورسی، اصطلاحاً «نورچی‌گری» خوانده می‌شود. نورچی‌گری، مدعی است که واسطه‌ای برای انتقال انسان از ایمان تقلیدی به ایمان آگاهانه است (همان، ص ۴۱۹). نورچی‌ها، رهبر واقعی خود را رسول اکرم ﷺ، رهبر فکری مکتب خود را سعید نورسی و رهبر عملیاتی خود را فتح‌الله گولن معرفی می‌کنند (بدل، ۱۳۸۳، ص ۵۲۹). خلاصه اینکه علت اقبال زیاد جامعه ترکیه به سعید نورسی، طریقت نور بود که بین اسلام و مدرنتیبه آشتی برقرار می‌کرد و تقابلی با نظام سکولار آتاتورکی و ارتش نداشت. طریقت نور، پس از سعید نورسی، به دو گروه فرعی‌تر منشعب شد: گروه «ینی آسیا» به رهبری محمد قوتلولار و گروه فتح‌الله گولن، که به جنبش گولن شهرت یافته است (محمد، ۱۳۸۰، ص ۳۴۱).

۲. مواضع فکری گولن

گولن، روحانی و خطیب توانمند ترک است. در شهر ارزروم، در سال ۱۹۸۳ متولد شد و در ۱۵سالگی، واعظ دولتی شد

(یاووز، ۲۰۰۳، ص ۱۸۱). وی در ۳۳ سالگی توسط لائیک‌ها، به جرم فعالیت‌های مذهبی، به مدت هفت سال زندانی شد. از جمله سخنرانی‌های مشهور او که مواضع فکری‌اش را روشن می‌کند، عبارتند از: «قرآن و علم معاصر»، «برداشت و فهمی از داروین» و «عدالت اجتماعی در اسلام». گولن هم با منابع سنتی آشنایی دارد و هم با فلسفه و اندیشه‌های غرب توجه نموده و در آراء او علاقه خاصی به کانت دیده می‌شود (نوروزی فیروز، ۱۳۹۲، ص ۳۵).

باید گفت که گولن، در سه مرحله به یک جریان جدی فرهنگی در ترکیه تبدیل شد. در مرحله اول، که خلال سال‌های ۱۹۶۶-۱۹۸۳، هسته اولیه یا همان ارکان جماعت دینی گولن ایجاد شد. با تشکیل جلسات قرآن و تربیت دانش‌آموزان و همچنین، حضور در اردوگاه‌های تابستانی، که محلی برای آموزش علوم سکولاری چون تاریخ و زیست‌شناسی بود، اندیشه‌های خود را ترویج می‌کرد و دانش‌آموزانی را که بعدها هسته اولیه جنبش وی را تشکیل دادند، رشد داد. نخستین حلقه پیروان خود را که در دوره‌های بعد، همچون حواریونی راسخ به تداوم اندیشه او اهتمام کردند، تربیت نمود (نوروزی فیروز، ۱۳۹۲، ص ۳۶). در دوره دوم، که مرحله هویت‌سازی است، از ۱۹۸۳-۱۹۹۷، جنبش گولن به آموزش پرداخت و اصطلاحاً «نسل طلایی» خود را که امکان نفوذ گولن در داخل و خارج ترکیه را افزایش می‌داد، تربیت نمود (محمد، ۱۳۸۰، ص ۱۸۹). مرحله آخر، بین‌المللی شدن گولن است که از سال ۱۹۹۷، یعنی از زمان برکناری/ریگان آغاز شد و تاکنون نیز ادامه دارد. وی در این مرحله، از طریق سه رکن بازار، رسانه و سرمایه، رشد چشمگیری در جوامع اسلامی پیدا کرد (خیرخواهان، ۱۳۹۰، ص ۲۲۱).

الگوی تمدنی گولن، مبتنی بر تشکیل امت اسلامی بود. البته امت اسلامی در تفکر گولن، مسلمانان ترک (ناسیونالیسم ترکی) می‌باشند و نه جهان اسلام. لازم به یادآوری است که گولن، با ملی‌گرایی آتانورکی که مبتنی بر تورانیسم و نژادگرایی بود، مخالف است. تشکیل امت اسلامی، به‌عنوان یک هدف، با پرورش نسل طلایی در دستور کار گولن قرار گرفت تا اندیشه‌های او توسط این نسل بسط پیدا کند و شبکه ارتباط میان ملت‌ها را بر محور فعالیت اقتصادی و عمل‌گرایی اسلامی ترسیم کند (محمد، ۱۳۸۰، ص ۱۹۶). این الگو، کاملاً در برابر الگوی انقلاب اسلامی ایران در منطقه خاورمیانه و جهان اسلام قرار گرفت (بدل، ۱۳۸۳، ص ۷۹۲). تشکیل جنبش‌های مدنی، به نفع نوگرایی و ناسیونالیسم ترکی، هیچ نسبتی با آنچه جمهوری اسلامی با عنوان تشکیل هسته‌های مقاومت دنبال می‌کرد، نداشت. شاید بتوان گفت: گولن، احیای اسلام عثمانی (نوعثمانی) را به‌عنوان بهترین مدل تمدنی معرفی می‌کرد که بُعد معنوی آن را اسلام و بُعد مادی آن را غرب تأمین می‌کند و مذهب را از امور دنیوی تفکیک می‌کند. در این راستا، ایجاد تساهل و تسامح دینی که با گرایش‌های صوفیانه نیز قرابت داشت، زمینه مناسبی برای ظهور لیبرالیسم ترکی بود که گولن، از این ظرفیت نیز به خوبی بهره‌برداری کرد تا بتواند الگوی اسلام ترکی، که در برابر اسلام عرب‌ها و اسلام ایرانی‌ها بود، ترسیم کرده، آن را الگویی معتدل معرفی کند (او از اسلام آناتولیایی، مبتنی بر تسامح و تساهل یاد می‌کند).

گولن را ماکس وبر جهان اسلام می‌نامند (نوروزی فیروز، ۱۳۹۱، ص ۲۹). او توانست در عین توجه‌دادن به زندگی آخرت، همانند ماکس وبر، از عقلانیتی سخن بگوید که به دنیا و سود و زیان آن توجه جدی دارد. جزوه او با

عنوان «انسان اسلامی»، زندگی رسول اکرم ﷺ را بر اساس کار و اشتغالات دنیوی بازخوانی کرده و حتی خصوصی سازی را به اسلام استناد می دهد (بدل، ۱۳۸۳، ص ۱۳۱).

۳. فعالیت های گولن

آموزش، بازار و رسانه، سه محور اصلی فعالیت گولن برای تشکیل امت اسلامی است. امت اسلامی، که در نگاه او با محوریت اسلام ترکی و آناتولیایی معنا پیدا می کند، به زعم او زمینه ساز تمدن نوین اسلامی خواهد شد. با این رویکرد، او به تأسیس صدها مدرسه مدرن در ترکیه و بیش از ۲۵۰ مدرسه، در خارج از این کشور پرداخت. در واقع، یک امپراطوری بزرگ آموزشی در جهان ایجاد کرد تا اسلام را در قالب های مدرن عرضه نماید (بولنت و عمر، ۱۳۸۴، ص ۶۸). وی این مدارس را در آسیای مرکزی گرفته تا بالکان، خاورمیانه، آفریقا، جنوب شرق آسیا، روسیه، کانادا، نیوزلند، چین، استرالیا، تانزانیا و... تأسیس کرد و تمرکز خود را بر جمهوری های تازه استقلال یافته قرار داد تا در این منطقه، الگوسازی کند. به همین دلیل، گولن در مناطق غیراسلامی نیز مدرسه تأسیس کرده است.

الگوی تبلیغی گولن، سخنرانی و وعظ نیست، بلکه ارائه الگوی عملی خوب و تماس ها و گفتارهای روزانه و با ارتباطات گسترده، مهم ترین قالب های تبلیغی گولن و گروه اوست. مدارس گولن، از بودجه مردمی جماعت او تأمین می شود. به همین دلیل، مستقل از دولت ها و تزلزل دولت مردان سیاسی عمل می کنند. دلیل ثبات، اثرگذاری و قدرت مدارس گولن، همین است. گولن سعی کرده است که بهترین و مدرن ترین دستگاه آموزشی را ایجاد کند تا بهترین مربیان و کیفی ترین دانش آموزان دانشگاه های جهان را به خود جذب کند. از این رو، مدارس گولن، از کیفیت آموزشی و نخبگانی بالایی برخوردار است.

گولن می خواهد از بالکان تا چین، نخبگانی را تربیت کند که همگی ترکیه را الگوی خود قرار می دهند (بولنت و عمر، ۱۳۸۴، ص ۶۷). برخی از نظامیان و نیروهای امنیتی ترکیه، از این جهت نگران هستند که وی، با حربه دوری از سیاست، در حال کادرسازی نیروهایی وفادار برای آینده سیاسی ترکیه می باشد (محمد، ۱۳۸۰، ص ۱۹۸).

ضلع دیگر فعالیت گولن، فعالیت رسانه ای برای هدایت و جهت دهی امت اسلامی، به سوی اسلام مدرن است. او فعالیت خود را با مجله «سیرنتی» در سال ۱۹۷۸ و همچنین، روزنامه «زمان» در سال ۱۹۸۶ آغاز کرد. امروزه مجله «زمان» در پانزده کشور حوزه بالکان، آذربایجان، آسیای مرکزی و... با تیراژ پانصد هزار نسخه منتشر می شود. این مجله از یک سو، تفکر گولن را تبلیغ می کند و از سوی دیگر، دائماً به تخریب جمهوری اسلامی و اسلام سیاسی ایران می پردازد (خبرخواهان، ۱۳۹۰، ص ۱۲۸). بخش دیگر فعالیت رسانه ای گولن، شبکه های تلویزیونی و رادیویی است که برای نمونه، «سامان یولو» و «رادیوی بروج»، تأثیر مهمی در نشر افکار او و گسترش پایگاه اجتماعی او داشته است. مثلاً، مجموعه مشهور «کلید اسرار»، که متأسفانه چند سالی از رسانه ملی ایران نیز پخش شد و مخاطب قابل توجهی پیدا کرد، از محصولات شبکه «سامان یولو» است.

از سوی سوم، بازار ضلع پراهمیت فعالیت‌های گولن است که حتی دو عرصه قبلی را نیز تحت تأثیر خودش قرار داده است. مصادف شدن جنبش گولن، با فضای اصلاحات اقتصادی اوزالیسم، موجب رشد اقتصادی ترکیه و رشد جنبش و اقبال عمومی به آن گردید. فعالیت‌های اقتصادی طرفداران گولن، از شرق ترکیه و با اتکا به اندیشه‌های وی آغاز شد و امروزه از چنان گستردگی و قابلیت‌های برخوردار است که از آنها به «بیرهای آناتولی» یا «بیرهای سبز» یاد می‌شود. مؤسسه «ثبات اروپا»، گزارش مفصلی از بیرهای آناتولی ارائه داد که با عنوان کالونیست‌های اسلامی به چاپ رسید (بولنت و عمر، ۱۳۸۴، ص ۶۸). مهم‌ترین نهاد تجاری جنبش گولن، انجمن بازرگانان و صنعت‌گران مستقل است. این انجمن، شرکت‌هایی دارند که شهرت جهانی دارند که از جمله می‌توان به این موارد اشاره کرد: اولکر قومباس، اخلاص، اتفاق و یمباش. ارزش سالانه صادرات این شرکت‌ها، تنها به هشتصد میلیون دلار می‌رسد. همچنین، می‌توان به تأسیس شرکت‌های مشترک، با سرمایه‌داران سعودی با نام «راچیچی للصیرفه» اشاره کرد (محمد، ۱۳۸۰، ص ۶۸). از جمله بخش‌های دیگری که جنبش گولن در آن سرمایه‌گذاری چشمگیری کرده، بخش گردشگری است. این گروه، با تأسیس اقامت‌گاه‌های توریستی بدون فساد، مکان‌های تفریحی مناسبی برای سرمایه‌داران متدین به وجود آورده است و استقبال قابل توجهی نیز در ترکیه از این امکان می‌شود (خبیرخواهان، ۱۳۹۱، ص ۱۲۹). خلاصه اینکه در بخش اقتصادی نیز گولن، تلاش‌های فراوانی انجام داده تا نشان دهد که اسلام، به خوبی توان همراهی با نظام سرمایه‌داری را دارد. فعالیت‌هایی نظیر بانکداری اسلامی بدون ربا، بازار اسلامی، تأسیس بیمارستان‌هایی که در آنها مطابق مبادی و آداب اسلامی رفتار می‌کنند و تأسیس هتل‌ها و اقامت‌گاه‌های اسلامی، نمونه‌ای از این تلاش‌های اقتصادی جنبش گولن است.

علت پیشی گرفتن الگوی گولن نسبت به اربکان

بی‌شک/اربکان، شخصیتی بی‌نظیر در تاریخ سیاسی ترکیه است و قطعاً گرایش‌های سیاسی و الگوهای تمدنی مدنظر او، تحت تأثیر شدید انقلاب اسلامی و شخص امام خمینی^ع شکل گرفت. بنابراین، باید توجه کرد که وی، فرصتی بی‌نظیر برای گسترش و تقویت اسلام سیاسی، در تاریخ معاصر محسوب می‌شد که در شرایط سیاسی و اجتماعی ترکیه از بین رفت.

به نظر می‌رسد، دلایل انحطاط الگوی تمدنی/اربکان، بیش از آنکه ریشه در شرایط سیاسی ترکیه داشته باشد، وابسته به رویکرد سیاسی شخص/اربکان است. بی‌توجهی/اربکان، به ذات ساختارهای سیاسی مدرن، این تلقی را برای او ایجاد کرد که در بستر الگوهای دموکراتیک، امکان فعالیت اسلام سیاسی وجود دارد. درحالی‌که اساساً حضور اسلام‌گرایی در قالب‌های تنگ مدرن از جمله احزاب، موجب ناکارآمدی و استحاله جریان‌های اسلام‌گرا خواهد شد. دوری کردن/اربکان، از رویکردهای انقلابی و پذیرش نظام لیبرال و بازی در میدان ساختارهای سیاسی ترکیه لائیک، موجب انحطاط/اربکان در ادامه فعالیت‌های سیاسی وی شد. به همین دلیل، هرچند احزاب متنوعی

توسط/اربعان شکل گرفت، اما به دلیل بازی در میدان لائیک‌ها و عدم تحول در ساختارهای اساسی ترکیه، بازی به نفع جریان سکولار، به رهبری گولن خاتمه یافت. ممکن نیست که شعارهایی چون حذف اسرائیل، مبارزه با امپریالیسم، سیاست‌گذاری اسلامی و تشکیل قطب اقتصادی مستقل از غرب، بدون تحول در نظام سیاسی ترکیه ممکن بوده باشد. تجربه ایران معاصر نیز نشان داد که بدون انقلاب اسلامی و تحول در همه ساختارهای سیاسی و اقتصادی، امکان تحقق آرمان‌های عالمان اسلامی وجود نداشت.

شاید بتوان گفت: علت بی‌میلی/اربعان به حرکت‌های انقلابی، اندیشه سیاسی اهل سنت در قبال حاکمیت است. اهل سنت، هیچ‌گاه طرح سیاسی خود را برای کسب قدرت سیاسی، از طریق یک انقلاب دنبال نمی‌کنند. به همین دلیل، عالمان اهل سنت، همیشه در انزوای قدرت‌های سیاسی به سر برده‌اند. به صورت کاملاً طبیعی، شعارهایی که/اربعان در فضای سیاسی ترکیه دنبال می‌کرد، نیازمند تحولی اساسی در ساختار سیاسی ترکیه بود. چنین رویکردی با اندیشه سیاسی اهل سنت هماهنگ نیست. از این رو، افکار/اربعان هم در فضای اجتماعی، هم در فضای سیاسی و هم در جامعه مؤمنین تنها می‌ماند و در هنگامه سختی و مبارزه، از مقبولیت اجتماعی‌اش کاسته می‌شود. از سوی دیگر، افکاری که گولن دنبال می‌کرد، کاملاً هماهنگ با سیاست‌های غرب مبنی بر سکولاریزاسیون جوامع دینی بود. از این رو، شرایط اجتماعی، سیاسی و تاریخی گولن، بسیار همسوی با افکار اوست.

نکته دیگر اینکه/اربعان، متأثر از فضای انقلاب اسلامی، تلاش می‌کند الگوهایی را در کشور ترکیه دنبال کند که ریشه‌های فرهنگی آن، هنوز در ترکیه وجود ندارد. اگر ایرانیان توانستند الگوی اسلام سیاسی را دنبال نمایند، ریشه در نیم‌قرن مبارزه عالمان شیعی و شکوفایی فرهنگی جامعه ایران دارد. برخلاف/اربعان، فتح‌الله گولن پیش از آنکه زمزمه‌ای از شکست/اربعان به گوش برسد، فعالیت‌های تربیتی - آموزشی خود را آغاز کرده بود و توانست نسل طلایی و حواریون آینده خویش را تربیت کند. کسانی که بعدها در تمامی ساختارهای سیاسی و اجتماعی ترکیه، ایفای نقش کرده و امتداد افکار گولن بودند. توان گولن از این‌روست که از تربیت نیروی نخبه آغاز نموده، علت شکست/اربعان، تلاش برای تغییرات فرهنگی از پایگاه احزاب سیاسی است. هنگامی که/اربعان با یک کودتای ساده برکنار می‌شود، حتی هم‌حزبی‌های او و شاگردان سیاسی‌اش، از جمله عبدالله گل و اردوغان، توان مقاومت در برابر تصمیم ارتش را ندارند. درحالی که گولن، نیروهایی از جنس مردم تربیت کرده که در جای‌جای سرزمین ترکیه تنفس می‌کنند و همه‌جا سخن از او می‌گویند. به نظر می‌رسد، تحلیل‌هایی که ارتش را عامل شکست/اربعان می‌داند، ساده‌اندیشانه است. اگر فعالیت‌های/اربعان صورت طبیعی و فرایندی داشت، با یک کودتای سیاسی از میان نمی‌رفت. همچنان که نهضت امام خمینی^ع حتی هنگامی که در تبعید به سر می‌برد، زنده و پویا باقی می‌ماند و به انقلاب اسلامی منجر می‌شود.

نکته دیگری که منجر به موفقیت گولن نسبت به الگوی اربکانی شد، توجه به اقتصاد و حل مشکلات مردم، از طریق رویکردهای عمل‌گرایانه و به دور از شعارزدگی است که گولن را در جایگاه رهبری کارآمد قرار داد. مشکلی که/اربعان با آن مواجه بود، فساد و مشکلات جدی اقتصادی دولت ترکیه و بی‌توجهی جدی/اربعان به مسائل

اقتصادی و گاه، گرایش شدید به شعارهای غیرکارآمد بود. درحالی که چنانچه/اربکان، سه ضلع مورد توجه گولن یعنی آموزش، اقتصاد و رسانه را مد نظر قرار می‌داد، اندیشه‌های او کارآمدی فرهنگی بی‌نظیری پیدا می‌کرد. گولن موفق شد الگویی از اسلام ترکی کارآمد را پیش چشم مردم ترکیه نشان دهد که این الگو، از یک سو الگوی اربکانی را به شدت تضعیف کرد و از سوی دیگر، جذابیت‌های انقلاب اسلامی را در میان مردم ترکیه کاهش داد.

چالش‌های الگوی تمدنی گولن

هرچند گولن، به‌عنوان عالمی روشنفکر و خطیبی توانمند، در صحنه سیاسی و فرهنگی ترکیه و حتی جهان اسلام ظهور کرده و ببرهای آناتولی و کالونیست‌های اسلامی را تربیت کرد و شرایط اقتصادی و فرهنگی کشور ترکیه را به وضعیت کنونی سوق داد، اما چالش‌هایی جدی در اندیشه‌ها و افکار جنبش گولن دیده می‌شود که هیچ‌گاه توان تأسیس تمدنی با عنوان تمدن اسلامی را نخواهد داشت.

بزرگترین چالش بینش تمدنی گولن، دوری از حقایق اسلامی و همراهی با نظام سلطه است. گولن با حمایت غرب‌گرایان و جریان‌های لائیک، به رشد و شکوفایی امروزی رسیده است. این نتیجه، حاصل همراهی او با نظام سلطه و استکبار جهانی است. هم‌آغوشی و همراهی گولن با آمریکا از یک‌سو، و موفقیت‌های اردوغان در توسعه سیاسی و اقتصادی ترکیه از سوی دیگر، موجب شده است که در دهه اخیر، محبوبیت گولن در فضای سیاسی ترکیه کاهش یابد. هرچند اندیشه‌های وی بر فرهنگ ترکیه هنوز تسلط دارد. امروزه اردوغان، که روزی از آبخور فکری گولن الهام گرفته بود، از یک سو صورت نرمی از آمریکاستیزی را در سیاست‌هایش نشان می‌دهد و از سوی دیگر، روحیه سکولار اسلام اجتماعی را در همه شئون حاکمیت خویش حفظ کرده است. به نظر می‌رسد، این وضعیت نیز پایدار نخواهد ماند؛ چراکه تقابل با آمریکا، نمی‌تواند در امور سطحی و روبرنایی باقی بماند و هنگامی که این تقابل، عمیق‌تر و بنیادی‌تر شد، نیازمند تعیین سیاست‌های فرهنگی جدیدی از سوی اردوغان خواهد بود.

چالش دیگر اندیشه تمدنی گولن، درک او از امت اسلامی است که در آن نوعی ناسیونالیسم و خودبسندگی وجود دارد. تمدن‌ها در شرایطی که تکثر و تنوع اقوام را فهم نکنند، شکل نخواهند یافت و در دنیای اسلام، با این همه تنوع اندیشه‌ها و قرائت‌های مختلف از قرآن، نمی‌توان شعار اسلام ترکی و تمدن ترکی را به‌عنوان یک شعار حاکم بر جهان اسلام تبدیل کرد.

نسبتی که گولن در برابر تمدن غربی برقرار می‌کند، هیچ‌گاه منجر به تمدن اسلامی مطلوب گولن نیز نخواهد شد. آنچه گولن با عنوان پیوند معنویت اسلامی و اقتصادی غربی دنبال می‌کند، به تدریج منجر به غلبه فرهنگی غرب، در تمامی ساختارهای سیاسی و اجتماعی ترکیه خواهد شد. همچنان‌که امروزه شواهد بسیاری بر نابودی تدریجی فرهنگ اسلامی در ترکیه و تسلط روزافزون فرهنگ غربی به چشم می‌خورد. به زودی در ترکیه و کشورهای متأثر از اسلام ترکی، پوسته‌ای از اسلام باقی خواهد ماند و همه مؤلفه‌های فرهنگ اسلامی، به تدریج

نابود خواهد شد. نگارنده با مطالعه میدانی شهرهای استانبول، آنکارا، بولو و ازمیر، به خوبی این فرایند اسلام‌زدایی تدریجی را به چشم دیده است و در نسل بعدی ترکیه، اثری از اسلام جز بناهای زیبای مساجد و خاطره‌های پیرمردان باقی نخواهد ماند. به نظر می‌رسد، ترکیه به‌عنوان الگویی کارآمد برای تمدن اسلامی مناسب نیست و حتی این الگو را دچار یک فروبستگی فرهنگی شدید می‌داند.

نتیجه‌گیری

در دوره معاصر، ترکیه شاهد تجربه دو الگوی تمدنی اسلام سیاسی و اسلام اجتماعی بوده است. اسلام سیاسی که متأثر از انقلاب اسلامی ایران قوت گرفت و به رهبری *اریکان*، وارد جریان‌های سیاسی معاصر ترکیه شد، آثار فوق‌العاده‌ای در تحزب اسلام‌گرایان و ایجاد گرایش‌های اسلامی اصیل در ترکیه بر جای گذاشت، اما در چند دهه اخیر، مغلوب اسلام اجتماعی، به رهبری *گولن* شد. دنیای غرب، با حمایت‌های گسترده از الگوی اسلام سکولار *گولن*، سعی کردند تا جذابیت‌های انقلاب اسلامی که در اسلام سیاسی *اریکانی* تجلی کرده بود را تضعیف نمایند. *گولن*، با تأکید بر افکار سعید نورسی، مبنی بر جمع اسلام و علم مدرن و تحریک حس ناسیونالیستی ترکی، با عنوان «امت اسلامی و احیای خلافت عثمانی»، جذابیت‌هایی را در میان توده‌های مردمی نسبت به الگوی دینداری مورد نظرش ایجاد کرد. حتی نظر بخش قابل توجهی از سیاست‌مداران و نظامیان ترکیه را به خود جلب کرد. *گولن* با ابزار آموزش، رسانه و بازار، توانست نسلی نخبه و کارآموده تربیت نماید که همچون مویرگ در فضای سیاسی و فرهنگی ترکیه نفوذ دارند. علت پیشی گرفتن اسلام *گولنی* از اسلام *اریکانی* را باید در همین بخش نیروسازی و توجه به پرورش نسلی همسو با افکار *گولن* دانست. البته حمایت‌های دنیای غرب از تفکر *گولن* و همچنین، فشار شدید نظامیان لائیک بر رهبران اسلام سیاسی ترکیه، در تضعیف اسلام *اریکانی* نقش قابل توجهی داشته است.

دنیای غرب، به همراه روشنفکران غرب‌زده جهان اسلام، سعی دارند تا الگوی اسلام *گولنی* را در برابر انقلاب اسلامی برجسته نمایند و آن را بهترین الگوی دینداری در دوران جدید معرفی نمایند. اسلامی که با تمامی مظاهر دنیای غرب همراه است، و تعالیم و حیانی را به نفع نظام سرمایه‌داری تغییر می‌دهد. براین اساس، امروزه کشور ترکیه برای ورود مسافران و گردشگران ویزا را لغو نموده تا از یک سو، به جذب حداکثری توریست‌ها توجه کند و از این راه درآمد هنگفتی به دست آورد و از سوی دیگر، الگوی اسلام ترکی را مقابل چشم دیگر کشورها و بخصوص مسلمانان قرار دهد.

منابع

- ارطغرل، ارتیکن، ۱۳۸۵، «نقش آثار ترجمه شده ایرانی در روند شکل‌گیری اندیشه‌های دینی در ترکیه»، ترجمه سیداصغر سیدترابی، *مجله کتاب ماه دین*، ش ۱۰۷، ص ۴۳-۵۰.
- بولنت، ارس و کاها عمر، ۱۳۸۴، «جنس اسلام لیبرالی در ترکیه: اندیشه‌های فتح‌الله گولن»، *مطالعات خاورمیانه*، ش ۴، ص ۸۲-۹۵.
- اطهری، سیداسدالله، ۱۳۸۵، «اسلام‌گرایی در غیاب تندروی (ارزیابی دولت‌های اسلام‌گرای ترکیه)»، *گفت‌وگو با مجله اخبار ادیان*، ش ۱۲، ص ۷۲-۷۵.
- _____، ۱۳۹۰، «اسلام صوفی»، *مهرنامه*، ش ۱۰، ص ۴۸-۵۳.
- بدل، حسن، ۱۳۸۳، «شرایط دینی و مذهبی کشور ترکیه»، *مجله طلوع*، ش ۱۰، ص ۵۳-۶۵.
- پورناب، قهرمان، ۱۳۷۹، «تأثیرات انقلاب اسلامی بر ترکیه؛ تبیین تئوریک تأثیرات انقلاب اسلامی بر بافت اجتماعی ترکیه»، *مطالعات خاورمیانه*، ش ۴، ص ۷۳-۱۰۰.
- خیرخواهان، جعفر، ۱۳۹۰، «بیرهای آناتولی: همزیستی اسلام ترکی با نظام بازار آزاد: موردکاوی جنبش فتح‌الله گولن»، *مجله چشم‌انداز ایران*، ش ۷۶، ص ۱۱۷-۱۳۷.
- روحانی، سیدکاظم، ۱۳۶۵، «جریان‌های فکری و فرهنگی در امپراتوری عثمانی»، *کیهان اندیشه*، ش ۸، ص ۴۸-۱۰۶.
- شکر، محمد، ۱۳۸۵، *سلجوقیان؛ شکست بیزانس در ملازگرد و گسترش اسلام در آناتولی*، ترجمه نصرالله صالحی و علی ارطغرل، قم، نشر ادیان.
- نصر، ولی‌رضا، ۱۳۸۶، «پراگماتیسم اسلامی»، *گفت‌وگو با خردنامه همشهری*، ش ۲۰، ص ۶۴-۶۷.
- محمد، نورالدین، ۱۳۸۰، «اسلام سیاسی و اسلام اجتماعی در ترکیه»، ترجمه غلامرضا مرادی، *مجله نگاه حوزه*، ش ۱۸، ص ۷-۱۱.
- _____، ۱۳۸۲، *ترکیه، جمهوری سرگردان*، تهران، اندیشه‌سازان نور.
- نوروزی فیروز، رسول، ۱۳۹۱، «اسلام ترکی تقابل با اسلام انقلابی مروزی بر اندیشه‌های عبدالله گولن»، *رهیافت انقلاب اسلامی*، ش ۱۹، ص ۶۱-۷۸.
- _____، ۱۳۹۲، «فراز و فرود جریان‌های اسلامی در ترکیه معاصر»، *پژوهش‌های منطقه‌ای*، سال اول، ش ۱۰، ص ۱۵-۴۸.
- مری، ولد، ۱۳۸۹، *اسلام در ترکیه مدرن؛ زندگی‌نامه یک رؤسنفکر بدیع‌الزمان نورمی*، ترجمه فرزاد صیفی کاران، تهران، نشر احسان.
- Keyman, E, 2007, FUAT. Modernity, secularism and Islam; the case of Turkey. *Theory, culture and society*. 24:215.
- Rabasa, angel, & larabee, Stephan f, 2008, *The rise of political islam in turkey*, Rand corporation.
- Yavuz, m. hakan, 2003, *Islamic political identity in turkey*, oxford university press.